

۷۱ | مدرسه (بخش ۱) | Schule I

آیا به مدرسه می‌روی یا بچه مدرسه‌ای داری؟ در این صورت درس و مشق جزو امور روزانه تو هستند؛ در اینجا با برخی واژه‌های مربوط به مدرسه و درس خواندن آشنا می‌شوی.

واژگان

die Schule, die Schulen – مدرسه

Sie geht zur Schule. – او (دختر) مدرسه می‌رود.

der Schüler, die Schüler – دانش‌آموز (پسر)

die Schülerin, die Schülerinnen – دانش‌آموز (دختر)

der Lehrer, die Lehrer – معلم (مرد)

die Lehrerin, die Lehrerinnen – معلم (زن)

der Unterricht – درس

nur Singular

der Stundenplan, die Stundenpläne – برنامه هفتگی

das Fach, die Fächer – درس، رشته

die Hausaufgabe, die Hausaufgaben – تکالیف مدرسه / مشق شب

Sie muss einen Test schreiben. – او (دختر) باید یک امتحان بدهد.

die Note, die Noten – نمره درس



Deutschtrainer

واژگان

Wow, er hat eine Eins bekommen! – آفرین، او (پسر) ۲۰ گرفته است.

Oh, er hat eine Sechs bekommen! – ای وای، او (پسر) صفر گرفته است.

das Zeugnis, die Zeugnisse – کارنامه

sitzen | bleiben – رفوزه شدن

bleibt sitzen, blieb sitzen, ist sitzengeblieben

Er ist sitzengeblieben. – او (پسر) رفوزه شده است.

der Elternsprechtag, die Elternsprechtag – روز اولیا و مربیان

die Schulferien – تعطیلات مدرسه

nur Plural